

استکبار ستیزی با روشنگری در خصوص اسلام هراسی

علی عباسی^۱

چکیده

استکبار یک واژه‌ی قرآنی است که درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به‌کار رفته است که از لحاظ بعد زمانی، شامل گذشته تا آینده می‌شود. اصول کلی مستکبران در همه دوره‌ها یکسان است که با شیوه‌ها و خصوصیات متفاوتی در زمان‌های مختلف عمل کرده‌اند و یکی از این روش‌ها در عصر حاضر، اسلام هراسی است. اسلام هراسی اگرچه قدمتی به اندازه تاریخ اسلام دارد، لیکن پس از حوادث یازدهم سپتامبر از سوی کشورهای غربی گسترش یافته تا به طور ریشه‌ای با اسلام مبارزه شود. اسلام هراسی اسباب متعددی دارد که از درجه اهمیت و قدرت متفاوتی برخوردارند. پژوهش حاضر با ذکر وقایع مربوط به اسلام هراسی غرب در دهه‌ی اخیر، به دنبال ارائه یکی از بهترین شیوه‌های مبارزه با استکبار جهانی در قرن حاضر، یعنی؛ استکبار ستیزی با روشنگری در خصوص اسلام هراسی است.

واژه‌های کلیدی: استکبار جهانی، تمدن اسلامی، اسلام هراسی، غرب، جنگ نرم

۱. علی عباسی، کارشناس ارشد مدیریت دولتی (مدیریت تحول)، آذربایجان شرقی، مراغه، دانشکده علوم قرآنی مراغه

haj.ali.abbasi59@gmail.com – 09143202293

اسلام هراسی، در اصل در میان عرب ها و یهودیان شبه جزیره عربستان پدید آمد، گام نخست در درمان هر بیماری و حل مشکلات ناشی از آن، فهم جدی و عمیق آن پدیده است. در این پژوهش، با رویکردی تحلیلی به بررسی و تشریح این پدیده و اسباب و عوارض مختلف آنکه به روابط میان غرب و جهان اسلام مرتبط است، خواهد پرداخت و برخی رهیافت ها را پیشنهاد خواهد داد که در درمان این پدیده، نگران کننده می تواند سهیم باشد؛ پدیده ای که جهان اسلام و مسلمانان را در معرض سلسله مستمری از بد فهمی و بد رفتاری ها قرار داده است.

عوامل شکل گیری اسلام هراسی

در تحلیل پدیده اسلام هراسی، مانند تحلیل هر پدیده دیگر نمی توان آن را تک سبب و تک علتی دانست. اکنون خواهیم کوشید تا برجسته ترین اسباب و عوامل آن را بررسی کنیم.

الف. سرشار بودن تاریخ از درگیری های میان اسلام و غرب؛ می توان گفت که فتوحات اسلامی، مرزها و آفاق اسلام را در طول قرن ها درهم نوردید و حوادث ناشی از آن، مانند درهم شکستن کاروان های نظامی روم و انهدام مراکزشان در زیر گام های سربازان مسلمان، نخستین تجربه های دردناکی بود که غرب در رابطه اش با جهان اسلام، با آن رویا رو می شد. همین تجربه ها بود که تخم ترس از اسلام را در ذهنیت غربی کاشت و موجب پرورش گرایش بیمارانه ای در آن گردید که بر رابطه اش با جهان اسلام حاکم شد؛ برای مثال پس از شکست سختی که ارتش روم در سال شانزدهم هجری از سربازان اسلام در جنگ یرموک متحمل شد و از منطقه عربی عقب نشینی کرد، از هرقل بزرگ رومیان نقل شد که گفت: بدرود ای سوریه! بدرودی که پس از آن دیداری نخواهد بود و چه خوب سرزمینی هستی برای دشمن و نه برای دوست! و زین پس رومی ای به تو وارد نخواهد شد؛ جز در حال بیم.

تاریخ، سرشار از برخوردهای بی پایان ناخوشایندی است که در بسیاری موارد، شکل خونین به خود گرفته و این وضع، موجب تثبیت نگاه تردیدآمیز، بلکه عداوت جویانه در غرب - که وارث قانونی امپراتوری روم است - نسبت به اسلام و مسلمانان شده است، زیرا این تجربه های دردناک در مرز جنگ یرموک که بدان اشاره شد، متوقف نمانده، بلکه به رویارویی های خشن سرایت یافته که برخی آنها هنوز برای جهان غرب، منبع تهدید به شمار می رود؛ مانند فتح اندلس در سال ۹۱ هجری و جنگ لابواتیه (بلاط الشهداء) سال ۱۱۴ هجری که اگر مسلمانان در آن پیروز می شدند، اسلام به دل پاریس هم نفوذ می کرد و نیز فتح قسطنطنیه به دست عثمانی ها در سال ۸۵۷م، فهرست بی پایانی از برخوردهای خونین میان دو طرف به نظر می رسد که تعامل مستقیم مردم غرب با مسلمانان در طول دهه های متوالی، چه در جریان اشغال برخی سرزمین های اسلامی در دوران جنگ های صلیبی و چه از رهگذر بهره گیری جهانگردان و دانشجویان غربی از نهضت علمی و تمدنی جاری، در بسیاری شهرهای اسلامی، برای سپید شدن چهره تیره ترسیم شده در اذهان غربی از اسلام و مسلمانان و تصحیح توصیف اسلام به عنوان دینی خونبار و هم نشین با خشونت و عقب ماندگی و تروریسم کافی نبوده است.

ب. جهل نسبت به اسلام؛ بنا به باور رایج (و حدیث امام علی علیه السلام) انسان عادتاً مایل به عداوت به چیزی است که بدان جهل دارد؛ یعنی به گونه ای جاهلانه، آن را خطری پیچیده بر خویش می شمارد که اجتناب از آن را اقتضا می کند. همین امر است که می تواند ترس از اسلام و تمایل به ستیز با آن و نفرت به آن را در میان غربی ها تفسیر کند. باید اذعان کرد اروپایی هایی که از اسپانیا، انگلستان و... به آمریکا مهاجرت می کردند (اجداد آمریکایی های امروز)، یکی از سنگین ترین مسئولیت های تاریخی جهان را برعهده گرفته بودند. آنها مجبور بودند به زبان خوش، مفاهیم عمیقی مثل دموکراسی، لیبرالیسم، حقوق شهروندی و... را در ذهن بومیانی که حتی بشر هم نبودند و زبان آدمی زاد- یعنی اروپایی ها- را هم نمی دانستند، فرو کنند! (کوشکی، ۱۳۹۲، تاریخ مستطاب آمریکا، انتشارات خیزش نو)

در غرب، اطلاعاتی سطحی نسبت به اسلام وجود دارد که از منابعی نامطمئن و فاقد احاطه علمی به اسلام اخذ شده است. مواد درسی دانشگاهی در غرب، هنوز هم اطلاعات غلط و گمراه کننده ای از اسلام در خود دارد که در مکتب شرق شناسی ریشه دارد؛ مکتبی که بهانه ساز اصلی برای استعمارگران غربی بوده است. ذهنیت شرق شناسی مرجعیتی قرون وسطایی و صبغه ای متأثر از روح صلیبی دارد. پژوهش گری در این زمینه می نویسد: حجم اندکی از فرآورده های شرق شناسان جدید - که در حد خود زیاد هم هست - به دست تصمیم سازان غربی می رسد؛ در حالی که حجم بسیار زیادی از تولیداتشان، از راه دستگاه های پیشرفته تبلیغاتی و رسانه ای، به سوی افکار عمومی روانه می شود تا به تأیید یا تخریب الگوهای استاندارد ترسیم شده، بپردازد. شرق شناسی جدید، عملاً و قولاً می کوشد تا برخوردی تمدنی با شرق اسلامی پدید آورد.

ناآگاهی نسبت به اسلام و داشتن انگاره های نادرست به این دلیل که مانع تشکیل زمینه مناسب برای فهم و ارتباط مثبت با پیروان اسلام است، یکی از نشانه های برجسته زندگی در جهان غرب است. شاید همین امر موجب شد تا پل فندلی، عضو سابق کنگره آمریکا که جهان اسلام را از نزدیک تجربه کرده است، وادار ساخت تا در جهت شکست دیواره نا آگاهی غربی ها به اسلام و تصحیح مفاهیم و انگاره های غلط آن تلاش کند. فندلی معتقد است که نا آگاهی آمریکایی ها و عموم غربی ها به اسلام و انگاره های غلطشان نسبت به اسلام و مسلمانان در عواملی ریشه دارد که مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. نقش لابی (گروه فشار) یهودی، در ارائه تصویری زشت از مسلمانان و تصویر اسرائیل به عنوان دولتی ضعیف که از سوی عرب ها و مسلمانان مورد تهدید واقع شده است.

۲. اکتفا به سخن گفتن از اخلاق مسیحی و یهودی، به عنوان اخلاق جهانی مقبول و شایسته پیروی در جامعه آمریکایی و اجتناب از اشاره به اخلاق اسلامی و تصویر آن به شکلی منفی و نفرت آور، به گونه ای که یهودیت و مسیحیت در نگاه آمریکایی ها الگوی پیشرفت و تمدن و اخلاق جلوه می کند و اسلام به عنوان قدرتی عقب مانده و خطرناک نمایش داده می شود.

۳. متصف کردن اسلام به تروریسم و تعصب و تحقیر زن، و عدم تسامح نسبت به غیر مسلمانان و رد دموکراسی و پرستش خدایی غریب و انتقامجو.

۴. ترس غربی ها از خطر رو به فزونی اسلام گرایی و بیم آنان از جنگ احتمالی اسلام و غرب در آینده و تغذیه این هراس ها از سوی گروه های صهیونیست، به هدف اینکه پشتیبانی غربی ها از رژیم صهیونیستی قطع نشود.

ج. تعارض منافع و اختلاف خاستگاه های ارزشی؛ به رغم آنکه ناآگاهی نسبت به اسلام، عاملی اساسی برای ترس از اسلام و ستیز با آن است؛ اما قطعاً تنها عامل نیست. امروزه غرب رفتارها و هنجارهایی را پذیرفته که بسیاری آنها در تعارض با اسلام است. برخی این هنجارها، به نظام سرمایه داری و اصول عمل گرایانه آن در پیشینه سوء و لذت و منفعت ویژه باز می گردد که در عین حال، در محدوده آزادی های اجتماعی و اقتصادی به رسمیت شناخته شده نیز جای می گیرد؛ مانند آزادی قمار، شرط بندی، خوردن مشروبات الکلی، قانونی شدن فحشا و همجنس بازی و... . طبیعی است که این هنجارهای غربی، خوشایند اسلام نیست و اسلام این رفتارها را حرام و مستوجب مجازات می داند؛ از این رو طبیعی است که غربی ها، اسلام و آموزه های اسلامی را تهدیدی جدی برای آنچه آزادی های اساسی و غیرقابل مناقشه! می خوانند بدانند.

د. - خلط میان دین اسلام و وضع کنونی مسلمانان؛ پنهان نیست که امت اسلام از قرن ها پیش، با بحران های متعدد در سطوح متفاوت رویا رو بوده اند و این بحران ها موجب شده تا مسلمانان به لحاظ مشارکت در تمدن بشری و ارتقای سطح بشری در رتبه ای پایین تر از دیگر ملل قرار گیرند. در سطح سیاسی، جنگ ها و نزاع های مسلحانه، هنوز هم شمار زیادی از نفوس انسانی را در جوامع اسلامی درو می کند؛ مانند فلسطین، عراق، افغانستان، سودان و الجزایر. کشورهای اسلامی از متوقف کردن این چالش ها یا پیروز شدن بر آنها ناتوان اند و هنوز هم بسیاری دولت های اسلامی دنباله رو قدرت های بیگانه ای هستند که آزادی عمل این دولت ها را مصادره و استقلال عملی ایشان را محدود می کنند.

ه. پذیرش تصویرهای پیش ساخته منفی نسبت به مسلمانان؛ اساساً اصول، مبادی و نظریات، به ویژه ایدئولوژی ها، چارچوبی آرمانی دارند که اجازه مساحت معقولی از انفصال آنها را به پیروانشان می دهند؛ اما در بسیاری موارد، میان اندیشه ها و معتقدان آنها خلط می شود و خطاها و تجاوز کاری های انسان ها به افکار نسبت داده می شود که آنان پذیرفته اند. این امر در مورد اسلام و مسلمانان کاملاً واضح است، زیرا مسئولیت رفتار نادرستی که از برخی مسلمانان سر می زند، به اسلام نسبت داده می شود، زیرا منافع استعمارگران و صهیونیست ها ایجاب می کند که از رفتار زشت برخی مسلمانان برای بد نام کردن آنان و دینشان سوء استفاده کنند و در پی اثبات تصویر منفی نقش بسته در ذهنیت بسیاری از غربی ها بر آیند. با پرتو افکنی بر این تصویرها و انگاره های پیش ساخته و جهت داری که از مسلمانان در ذهنیت غربی ها در طول تاریخ بلند، چالش و نزاع و روابط نامتعادل میان اسلام و غرب شکل گرفته، در می یابیم که حجمی عظیم از افتراات و خیال بافی های بیمارگونه نثار شخصیت مسلمان شده است. تصویر آنان از مسلمانان، شهوت رانی، شکم بارگی، کودنی، سفاهت، حلیه گری، تحقیر زن و... را به تصویر می کشد.

نشانه‌ها و مظاهر اسلام هراسی

از آغاز ظهور اسلام هراسی که همزمان با آغاز فتوحات اسلامی است، هوشیاری در خصوص شناسایی دشمنان واقعی، عامل مهم در از بین بردن توطئه‌ها و ترفندهای بیگانگان خواهد بود. و از آن جایی که علت دشمنی هنوز وجود دارد ترفندهای آنان در جهت رشتیدن به اهداف پلید خود وجود دارد. و باید با هوشیاری و تقویت بنیه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و دینی قدرت مقاومت را دوچندان نمود. (غلامی، ۱۳۹۰، دشمن شناسی، انتشارات موسسه فرهنگی و آلاء منتظر) پدیده بیمارگونه اسلام هراسی از طریق برخی مظاهر و نمودها - که از زمانی تا زمان دیگر، متفاوت بوده است - خود را نشان داده که به برخی آنها اشاره می‌شود:

۱. طعن و تشکیک نسبت به نبوت پیامبر اسلام (ص)

از زمان بعثت پیامبر اسلام (ص) تاکنون، صداهایی که در صحت رسالت و صدق دعوت آن حضرت تشکیک می‌کرده، هیچ‌گاه متوقف نشده است. اسلام، از آغاز طلوع ستاره اش تاکنون، مورد هجوم وحشیانه بسیاری قبایل عرب و یهود واقع شد که با انواع و اقسام تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا - مانند کذب، جنون، کفایت، سحر و... - پیام آور بزرگش را آزرده. دامنه این اتهامات از شخص پیامبر (ص) فراتر رفته، به خود اسلام هم رسیده است. برخی کینه‌توزان، اسلام را دینی مادی دانسته‌اند که هیچ توجهی به ابعاد معنوی و روحانی ندارد؛ دینی خونریز که به مدد شمشیر سر پا نگه داشته شده است.

کاریکاتورهایی که در روزنامه یولاندز بوستن دانمارک در سی ام سپتامبر ۲۰۰۵ م منتشر شد، در همین مسیر و سیاق قابل تحلیل است. این نشریه ۱۲ کاریکاتور تمسخرآمیز از پیامبر اکرم (ص) منتشر کرد که بسیاری کارشناسان ارزش هنری آن را بسیار ناچیز و مبتذل دانسته‌اند. انتشار این کاریکاتورها همراه با مقاله‌ای از سر دبیر این روزنامه بود که وی در آن از هاله قداستی که مسلمانان پیرامون پیامبرشان ایجاد کرده‌اند، ابراز شگفتی و آن را محکوم کرده بود. وی این کار را نوعی مهمل بافی مستند به جنون عظمت دانسته، مسلمانان را به شجاعت برای اقدام به شکستن این تابو از طریق رسوا ساختن تاریخ تاریک صاحب رسالت اسلامی و نشان دادن حقیقت آن به افکار عمومی جهان فرا خوانده است.

مثل همیشه در اقدامات خیرخواهانه آمریکایی‌ها حکمتی نهفته بود: کمک مالی به نیازمندان ایرانی باعث شد جهان صنعتی به یک گنج ۲۵ ساله دست پیدا کند. جیمز بیل، یک محقق آمریکایی در این باره می‌نویسد: «دخالت آمریکا در ماجرای ۲۸ مرداد، تاج و تخت سلطنت را برای ۲۵ سال دیگر به خاندان پهلوی هدیه کرد و صاحبان صنایع نفتی بین‌المللی را قادر ساخت که با نرخ ارز ۲۴ میلیارد بشکه نفت را از مخازن ایران به دست آورند. این میزان نفت در طول ۲۰ سال با قیمت حداکثر بشکه‌ای ۱ دلار و ۷۰ سنت به فروش می‌رسید که در هر بشکه فقط ۵ درصد قیمت آن نصیب دولت ایران می‌شد (کوشکی، ۱۳۹۲، تاریخ مستطاب آمریکا، انتشارات خیزش نو)

روشن است که وقتی این مقاله موهن و بی ادبانه را در کنار آن کاریکاتورها می‌گذاریم، توطئه نهفته در پشت این حرکت شیطانی، کاملاً آشکار می‌شود و بر خلاف ادعاهای مقامات دانمارکی، امری اتفاقی، تصادفی و بی‌غرض نبوده است.

باید به این نکته اشاره کرد که چاپ این کاریکاتورها، نخستین اقدام در نوع خود نبود، بلکه حلقه ای از سلسله ای ممتد است که قصد پایان یافتن ندارد؛ برای مثال ناشری انگلیسی در سال ۲۰۰۱م، کتابی از مؤلفی که نام او «عبدالله عزیز» ذکر شده، منتشر کرد که تصاویر کاریکاتور بسیار تمسخرآمیز و موهن نسبت به عقیده مسلمانان، قرآن و سنت پیامبرشان در آن چاپ شده است. این کاریکاتورها در نهایت فحاشی و ابتذال، به پیامبر اکرم (ص) و همسرش عایشه و برخی صحابه که آنان را در حال انجام شعائر و احکام اسلام نشان می دهد، اهانت کرده است و حتی ذات اقدس الهی را در شکل هلالی که بر کرسی نشسته است و پیامبر اسلام در حال سجده بر او است، به تصویر کشیده است!

۲. برانگیختن نزاع ها در میان مسلمانان

کشورهای غربی، به ویژه کشورهای استعمارگر، حرصی آشکار بر پرتوافکنی بر مواضع اختلاف دینی در جهان اسلام و بزرگ نمایاندن این اختلافات و تبدیل آنها به نزاع و کشمکش دارند. آنان از سویی می کوشند، میان مسلمانان نزاع بیفکنند و از سوی دیگر، میان مسلمانان و اقلیت های دینی غیر مسلمانان ایجاد اختلاف کنند. در این مقام، می توان تلاش های حجیم فرانسه را در اوائل قرن بیستم برای تجزیه لبنان و برانگیختن آتش اختلافات دینی در میان فرزندان لبنان به یاد آورد. پیش از آن نیز کشورهای استعمارگر توانسته بودند، با قرار داد ساکس پیکو در سال ۱۹۱۶م، مشرق عربی را به کشورهای کوچک و ضعیف تجزیه کنند. همین وضعیت امروزه در عراق زیر اشغال امریکا تکرار می شود. عراق امروزه بر لبه پرتگاه جنگی داخلی قرار دارد که روزانه ده ها نفر را درو می کند و ریشه آن هم اختلافات طایفه ای و مذهبی است که نیروهای اشغالگر امریکایی در شعله ور شدن آن نقش اساسی دارند. خصوصیت اصلی این فرهنگ "تحمیلی" بودن آن است. تحمیل خواسته های گروهی از افراد برکل بشریت. با این دیدگاه، خانم تاجر، آقای بلر، ژاک شیراک و بسیاری از رهبران کشورهای جهان به همان اندازه "آمریکایی" هستند که کلیتون، کیسینجر و (گارودی، ۱۳۹۲، آمریکا ستیزی چرا؟، انتشارات کانون اندیشه جوان)

۳. تلاش در اشغال سرزمین های اسلامی

شاید آغاز این حرکت، جنگ های فرهنگی با جهان اسلام است که به جنگ های صلیبی معروف شده است. این جنگ ها به بهانه آزاد سازی شهر مقدس، یعنی قدس (اورشلیم) از دست مسلمانان، به تعبیر آنان مشرک، به راه افتاد. واقعیت این است که جنایت هایی که صلیبی ها در شهرهای اسلامی، در طی جنگ های صلیبی به راه انداختند، چه بسا صرفا ترس بیمارگونه از اسلام و پیروانش را بازتاب ندهد، بلکه تا حد زیادی کینه آنان به انتقامجویی را منعکس می کند. یکی از راهبان فرنگ که از شاهدان عینی اشغال شهر قدس به وسیله صلیبی ها در سال ۴۹۲ هـ بوده می گوید: قوم ما در خیابان ها، میدان ها و پشت بام خانه ها می گشتند تا عطش خود را با کشتار فرو بنشانند. آنان (سربازان صلیبی) چونان ماده شیرانی بودند که بچه هایشان ربوده شده بود. کودکان و جوانان را می کشتند و تکه تکه اشان می کردند. افراد فراوانی را به خاطر سرعت، با یک طناب دار می زدند. آنان هر چیز را که سر راه خود می یافتند، می گرفتند. حتی شکم مردگان را می دریدند تا در آنها قطعه ای طلا بیابند!! آه چه بدبختی ای؟! خون ها مانند رودی در راه های شهر که با جنازه ها پوشیده شده بود، جاری بود.

تنها چند سال پیش از این تاریخ و در سایه احساس مداوم تهدید محتمل از سوی اسلام، انگلیس در سال ۱۹۰۷ خواهان تشکیل کمیسیونی متشکل از هفت کشور استعمارگر غربی شد؛ هدف از تشکیل این کمیسیون، مطالعه و بررسی خطر خلافت عثمانی برای ایجاد کشورها بود. این کمیسیون نتیجه گرفت که منبع خطر حقیقی برای این کشورها، ایالت های عرب دولت عثمانی و ملل عرب مسلمان ساکن در این ایالات ها هستند، در گزارش این کمیسیون راه هایی برای مقابله با این خطر پیشنهاد شده که برجسته ترین آنها عبارت است از:

۱. تلاش برای ایجاد ضعف و پراکندگی در منطقه .

۲. ایجاد دولت های کوچک ساختگی تابع این کشورها(ی استعمارگر).

۳. مبارزه با هر شکل از اشکال وحدت و اتحاد معنوی و فرهنگی و تاریخی میان مردم منطقه.

برای تحقق اهداف فوق باید مانعی پدید آورد که در منطقه دارای قدرت باشد و قدرتش متضاد با جهت گیری ساکنان منطقه و همسو با منافع کشورهای استعمارگر باشد. این قدرت مخالف منطقه، در رژیم جعلی صهیونیستی تجسم یافت. این رژیم چنین نقشی را به خوبی بازی می کند. شواهد زیادی بر بقای ذهنیت صلیبی در ژرفای فکر بسیاری از غربی ها در دوران کنونی دلالت می کند. زمانی که نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۱۷ شهر قدس را اشغال کردند، فرمانده انگلیسی الن بی که نخستین غربی ای بود که پس از آزادی قدس به دست صلاح الدین ایوبی وارد این شهر می شد، اعلام کرد: اکنون جنگ های صلیبی پایان یافته است.

۴. فعال سازی فعالیت های تبشیری

می توان گفت نوعی رابطه مثبت میان افزایش هراس غربی ها از اسلام و شدت فعالیت های تبشیری (مسیونری) وجود دارد. گویا تلاش برای مسیحی کردن مسلمانان و وارد کردن آنان به «محبت مسیحیت»، از حيله های دفاعی ای است که غربی ها برای جبران نفرتشان انجام می دهند.

امروزه عملیات تبلیغی تبشیری مسیحی در جهان اسلام، به ویژه در کشورهای فقیر که از ثبات سیاسی برخوردار نیستند، به شدت جریان دارد. امروزه در افغانستان و در سایه حضور نظامی ایالات متحده و هم پیمانانش، بیش از هزار سازمان کمک رسانی و توسعه امریکایی و اروپایی وجود دارد که بسیاری آنها فعالیت های تبشیری متفاوتی دارند. همین فعالیت ها موجب شد تا کشیش بنهام، رئیس گروه اعزامی تبشیری در سال ۲۰۰۳ و پس از دیدار یک ماهه از افغانستان اعلام کرد که معتقد است، عقیده تثلیث در تثبیت گام هایش موفق شده است و برنامه مسیحی سازی می تواند موفق شود.

ظاهری وهابیت عبارت است از اخلاص در توحید و جنگ با شرک و بت پرستی ، ولی واقعیت جنبش وهابیت، چه از جهت فکری و چه عملی، این هدف را تأیید نمی کند، هدف باطنی و پنهان آنها کشتار مسلمانان و افروختن آتش فتنه و جنگ در بین آنان، در جهت خدمت به فراماسونری و امپریالیسم جهانی است و این اصل، محور تمام تلاشهای وهابیت از زمان ظهور تا به امروز است، و آن هدف ظاهری را فقط برای اغوا و گمراه کردن ساده لوحان و عوام الناس قرار داده اند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آتش جنگ بر ضد تشیع افزوده تر شده است و این آتش تا ظهور فرج ادامه خواهد داشت، اما این بدین معنی نیست که مسلمانان اهل سنت از شعله های این جنگ بر کنار باشند، زیرا وهابیت و رؤسای آنان در پی این نیستند که در آن واحد در دو جبهه کار کنند. آنها میخواهند اهل سنت را بر ضد برادران شیعه شان برانگیزند، تا فتنه ایجاد شود و همگی در خون خود غرق شوند.

اسلام هراسی:

امپریالیسم غرب در کلیت خود، با همکاری عملی «واتیکان» و بخش اعظم ارباب کلیسا در بلاد دیگر، تا آنجا که در توان دارند، بر مسأله «اسلام هراسی» در همه جای جهان، به ویژه کشورهای غربی - اعم از اروپا و آمریکا - دامن می زند تا آنجا که هم اکنون از مرحله اسلام هراسی، به فاز «اسلام ستیزی»! رسیده اند و با استفاده از وسایل و ابزاری که در اختیار دارند، به این توطئه شوم و ضد اخلاقی خود ادامه می دهند. این کتاب شامل چند بحث این فعال باتجربه و صاحب نظر مسائل بین المللی در این رابطه است که به مناسبت های مختلف تهیه شده و می تواند ماهیت توطئه و عاملان اصلی آن را افشا کند. (اسلام ستیزی غرب و کلیسا، خسروشاهی، انتشارات کلبه شروق)

زشت نشان دادن چهره اسلامی که پیامبر رحمة للعالمین آورده و توقف انتشار آن در جهان به دست سلفیه فقط بر حسب تصادف نیست، بلکه بر اساس نقشه خطرناکی است که وظیفه اولش این است که کودکان وهابی در سنین نونهالی را با مفاهیم قتل و خونریزی و رافضه و تکفیر شستشوی مغزی دهند، بر اساس این نقشه، آل سعود خلفای خداوند در زمین هستند و علمائشان (که فاسدترین خلق خدایند) عابد و زاهد و واجب اطاعه می باشند(!) و اینکه "شیعه را بکشید تا وارد بهشت شوید و صوفیه و زائران قبور اولیاء الله مشرکند و قتل آنان واجب است. اهل سنت هم اشعری مذهب و گمراهند و بیش از ایمان به کفر نزدیکند!" دیگر چه توقعی می توان از آنان داشت؟ جز تخریب و کشتار و جنایت.

کلمه تروریست اسلامی در روزنامه های جهانی بسیار شایع شده، در حالی که صحیح آن این است که بگویند تروریست وهابی، چرا که اسلام هیچ دخلی در کارهایی که آنان انجام می دهند، ندارد، دینی که رحمت برای عالمیان است و برای اتمام مکارم اخلاق آمده است.

وهابیت به عنوان یک جنبش تروریستی و سازمانی بسیار نزدیک به مافیا عمل می کند. این جنبش شوم با پولهای بی حساب آل سعود زنده است، پولهایی که در اصل از دزدی از جیب ملت نجد و حجاز بدست آمده است، ملتی که دچار فقر و ظلم و بیکاری و پخش مواد مخدر و ناهنجاریهای جنسی هستند. اینها فقط فرضیه و ادعا نیست، بلکه حقایق مستند و گزارشهای سازمان ملل متحد و فیلمهای واقعی از سایت یوتیوب است.

شکل گیری جنگ نرم و تهاجم فرهنگی

نگاهی کوتاه به تحولات تاریخی رسانه ها در آستانه قرن ۲۱ نشانگر آن است که تفکر انسان تا چه حد به ابزار های ارتباطی، از زبان به عنوان نخستین وسیله ارتباطی گرفته تا ابزارهای پیچیده انتقال اطلاعات مانند خطوط الکترونیکی و نیز ماهواره های فضایی مدیون است.

ارتباط در مفهوم عام خود، مجموعه‌ی پیچیده و سازمان یافته‌ای است که جنبه‌های انسانی و تکنولوژیک آن از یکدیگر تفکیک ناپذیر است. تغییرات روز افزون در حوزه ارتباطات، اعتقاد انسانهای آگاه و متعهد را به پیشرفت تکامل اجتماعی و اعتقاد راستین آنها را به بهسازی جوامع بشری بیشتر می‌سازد و انسانهای پیشگر متعهد را در سطوح مختلف با دستاوردهای نظامهای نوین ارتباطی و بحران‌های ناشی از آنها آشنا تر می‌سازد و در مجموع این باور را در آنها ایجاد می‌کند که تنها اندیشیدن در این زمینه کافی نیست و می‌بایست از طریق رویارویی با واقعیات عینی و برنامه‌ریزی نابسامانها را سر و سامان داد. در چنین وضعیتی، جوامع انسانی بویژه کشورهای جهان سوم که وسایل نوین ارتباطی در آنها بومی نیستند، باید با واقع بینی بیشتری با آنها برخورد کنند.

زمانی زبان شفاهی نقش نگهدارنده و انتقال دهنده ارزشها، نگرش‌ها و باورها بود. اما از آنجا که این شیوه ارتباطی سطح پایداری مناسبی نداشت رفته رفته جای خود را به زبان نوشتاری داد. این زبان نوشتاری به شکل امروزی نبود بلکه خطی بود تصویری که انسان توانست به وسیله‌ی آن افکار و نیازهای خود را ثبت کند. رفته رفته با پیدایش الفبا و سرانجام با اختراع چاپ در قرن شانزدهم، انقلابی عظیم در روند توسعه ارتباطات و اطلاعات به وقوع پیوست. به طوری که ارتباط شکل تازه‌ای به خود گرفت و آموزش که در انحصار اشراف بود به صورت همگانی و توده‌ای در آمد.

تکامل ابزارهای مبادله و انتقال اطلاعات با پیشرفت تجهیزات انباشت اطلاعات همراه بوده است. امروزه از ترکیب سه تکنولوژی متفاوت یعنی « صنایع کامپیوتر، نرم افزار و برنامه نویسی » ، « فیلمسازی، سینما و تلویزیون » و « صنایع مخابراتی (تله کامیونیکیشن و الکترونیک) » ابر شاهره‌ای اطلاعاتی ایجاد شده است که می‌تواند اطلاعات گوناگون صوتی و تصویری را از طریق کابل‌های فیبرنوری به مصرف کننده منتقل سازد.

نقش و جایگاه رسانه‌ها در استکبار ستیزی:

در دنیای امروز همراه با تغییر نگرش انسان نسبت به خود در رویارویی با تاریخ و معرفت عمومی، حکومت نیز به بازاری رقابتی تبدیل شده است که مشتریان صاحب انتخاب در مقام قضاوت قرار دارند.

امروزه نقش اطلاعات در ساز و کارهای تصمیم‌گیری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و همین امیر نقطه تلاقی «رسانه» و «قدرت» را شکل می‌دهد. در حال حاضر می‌توان گفت رسانه‌ها یکی از مهم ترین منابع قدرت نرم در کشورها هستند. (اسلام ستیزی غرب و کلیسا، خسروشاهی، انتشارات کلبه شروق)

امروزه کشوره‌های قدرتمند رسانه‌ای که ایالات متحده را می‌توان سرآمد آنها نام برد دیگر کمتر به فکر جنگ سخت هستند و سعی می‌کنند کشور های هدف را با تزریق خرافه، دروغ و کلیشه به زانو در آورند. شاید مصداق این مطلب این جمله از آیزنهاور رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در هفدهم دسامبر ۱۹۵۵ باشد که اعلام کرد: « بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسخیر اذهان انسانها ». بدین صورت بود که پس از جنگ جهانی دوم نه تنها جنگ رسانه‌ای پایان نیافت بلکه به واسطه دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی بر شدت آن افزوده شد.

جنگ رسانه ای جنگی بدون خونریزی، آرام و نرم تلقی می شود. جنگی که بر صفحه روزنامه ها، مجلات، سایت های اینترنتی، سینما و تلویزیون و ... جریان دارد.

تبلیغات رسانه ای:

هدف تبلیغات، تغییر عقاید و تحت تأثیر قرار دادن افکار و حالات بسیاری از مردم است. در واقع تبلیغات می کوشد به جای آنکه ذهن انسان را باز کند آن را ببندد. در واقع تبلیغاتچی به دنبال این است که شما کاری را انجام دهید که او می خواهد.

باید دانست امروز تلویزیون ها و رسانه ها و امدار آراء و عقاید مک لوهان هستند. شاید بهتر باشد گذری داشته باشیم بر پروتکل های حکمای صهیون که مطالبی جالب و البته تأمل بر انگیز در آنها به چشم می خورد:

خاخام راشوون می گوید: اگر طلا نخستین ابزار ما در سیطره بر جهان است، بی تردید مطبوعات و روزنامه نگاری دومین ابزار ما خواهد بود.

در پروتکل اول حکمای صهیون به این نکته اشاره می شود که ... آزادی سیاسی تنها یک ایده است و واقعیت ندارد. اما همین ایده طعمه ای است تا در وقت نیاز و ضرورت آن را به کار گیریم و مردم را به سمت خود جذب کنیم و گروه خویش را قدرتمند سازیم ...

این حربه امروزه به صورت مداوم در رسانه های صهیونیستی با جنجال بسیار زیادی تبلیغ می شود و متأسفانه به علت ناآگاهی مخاطبان عده زیادی اسیر این حربه می شوند و عنان خود را به دست این رسانه ها می دهند.

اما این حربه فقط برای مردم عامی استفاده نمی شود. در پروتکل سوم نیز مطلبی به چشم می خورد که می توان برای آن مصادیقی عینی آورد. در پروتکل سوم اینگونه آمده است:

در مورد دولت ها نیز از کشمکش میان آنها آتشی پرپا می کنیم تا برخورد های و جنگ ها شدت یابد. با این اقدامات دیری نمی باید که سرتاسر دنیا در هرج و مرج و فقر دست و پا خواهد زد. با نگاهی به سیر تحولات اخیر می توان دریافت که ابزار رسانه تا چه اندازه در پیشبرد این هدف مؤثر است. درست چند ماه پیش بود که ویکی لیکس اسنادی را منتشر کرد و جنب و جوش های سیاسی را به بالاترین حد خود در تمام دنیا رساند به طوری که دولت های غربی به تکاپوی فراوانی افتاده و سعی در تطهیر خود داشتند. در اینجا است که رسانه، اهمیت و نفوذ رسانه خود را بیشتر و بیشتر نمایان می سازد.

این رسانه دروغ را شاهرگ حیاتی خود کرده و انسان را از یک آنالیزور تبدیل به یک پذیرنده مطلق و منفعل می کنند و با پرداختن به موضوعات مختلف با تکیه بر احساسات سعی در پیشبرد اهداف خود دارند. گفته می شود صحنه قتل ندا آقا سلطان در طول تاریخ بشری در فاصله ۲۴ ساعت بیشترین بازدید کننده را داشته است و در یک بازی زمانی ۲۴ ساعته ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر فیلم قتل ندا آقا سلطان را از این رسانه ها دیده اند.

در قسمتی از پروتکل حکمای صهیون اینگونه آمده است:

... مردم جوامع غیر از ما (غیر یهود) در آینده با مصرف مشروبات الکلی دچار انحطاط می شوند و از طریق رسانه های ما به انحطاط اخلاقی کشیده می شوند... این رسانه همان هالیوود است.

با نگاهی کوتاه به جامعه خودمان و در نقطه مقابل با نگاه به فیلم ها و سریال های تولید شده در هالیوود و سایر کمپانی های صهیونیستی به نقش این نظریه مک لوهان در شکل گیری پروسه فرهنگ زدایی توسط رسانه های صهیونیستی پی می بریم.

اهمیت فرهنگ به حدی است که حضرت امام خمینی (ره) درباره آن چنین فرمودند:

... بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ هر چند، جامعه در بعد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد پوچ و میان تهی است... استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است.

حال می فهمیم چرا امریکا به جای اینکه به کشوری مثل ایران حمله نظامی کند سعی دارد با استفاده از ابزار رسانه، فرهنگ آن تخریب کرده و ارزش های آنها را برابرد تا دیگر شاهد هیچ گونه مقاومتی از سوی عامه مردم نباشد.

ساده ترین ابزار تهاجم فرهنگی که می توان با آنها یک نسل را گمراه کرد همین ابزار و وسایل هستند که روزانه با آنها روبه رو هستیم. از رایانه و شبکه اینترنت گرفته تا شبکه های ماهواره ای، از فیلم های غیر اخلاقی گرفته تا تهیه و توزیع مواد مخدر، از انواع کفش و پوشاک گرفته تا تغییرات در الگوی حجاب. آری اینها ابزاری ساده ولی در عین حال مؤثر برای تغییرات الگوی فرهنگی هستند.

اما آنچه امروز در خط مقدم تهاجم فرهنگی یا به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) شیبخون فرهنگی قرار دارد ماهواره است. با اندکی تأمل در مضامین سریال های شبکه های ماهواره ای نوظهور این نکته ظریف آشکار می شود که این داستان های جذاب و دیدنی، در کنار کیفیت صدا و تصویر حاوی مفاهیم خیانت، جنایت و بی بند و باری فکر و فرهنگی می باشند و مقصدشان غیر از جایی است که در آن تولید شده اند.

مسائل و سوژه های مطرح شده برای سریال سازی و فیلم سازی در صدا و سیما اگر چه به ظاهر سطحی و عامیانه هستند اما با تکرار این مضامین کم کم باید شاهد نهادینه شدن آنها در جامعه باشیم. اینکه در سریال ها به راحتی دروغ می گویند، اینکه به راحتی چند همسر اختیار می کنند، اینکه به راحتی پوشش هایی نامأنوس با فرهنگ جامعه را تبلیغ می کنند مسئله ای نیست که خاص زمان حال باشد. این آثار به ظاهر کلیشه ای مؤثر تر از یک سال تحصیلی در فرهنگ سازی برای افراد وارد عمل می شوند.

اینکه کاربران ایرانی اینترنت در بین ۱۲۸ کشور رتبه نخست مراجعه به سایت های غیر اخلاقی را دارند اتفاقی نیست. با این شرایط و با وجود حجم انبوه ماهواره ها و سایت های غیر اخلاقی چگونه می توان امید داشت که جوانان از مسیر خود خارج نشوند. اینکه دشمن برای جدایی جوانان از دین از دریچه فرهنگ وارد می شود و با استفاده از ابزار رسانه ای و بهره گیری از سایت های اینترنتی و تکثیر قارچ گونه آن اقدام به این کار می کند اتفاقی نیست. باید دانست که آنها کار خود برای برای پایین کشیدن پرنده شیعه شروع کرده اند و هدف اول آنها نابود کردن اعتقاداتی است که جوان شیعه با آن بزرگ شده و به بلوغ رسیده است.

در اینکه سینمای هالیوود ابزای برای شیخون فرهنگی به کشور ماست شکی نیست. اما آیا می توان سینمای ایران را سدّ راه سینمای هالیوود دانست؟! پاسخ اینگونه است که در حال حاضر چنین برداشتی را نمی توان از سینمای ایران داشت. زیرا مردم سینمای ایران را همگام و همزاد و همراه با جامعه فعلی خود نمی دانند و آن را به فرهنگ و ریشه های خود نزدیک نمی بینند. در نتیجه چنین سینمایی هرگز نمی تواند یک ابزار برای دفاع نرم باشد. امروز نهاد های فرهنگی کشور به جای اینکه به فکر بریدن ریان های رنگارنگ باشند باید افق دید خود را گسترش دهند و با برنامه ریزی صحیح علاوه بر اینکه فرهنگ بومی ما را حفظ می کنند به فکر ارسال فرهنگ و آشنا کردن کشورهای غربی و شرقی با فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی باشند. در سال ۱۹۳۳ استدیو های هالیوودی بیش از ۵۰ درصد از درآمد خود را از راه توزیع فیلم هاشان در سایر قاره ها کسب کردند. بسیاری از استدیو های هالیوودی سینماهای چند ساله ای را در کشور های دیگر ساخته اند تا حجم مخاطب خارجی خود را افزایش دهند. می توان اینها را دانست و با تولید آثاری فاخر و برنامه ریزی بلند مدت فرهنگی گامی مفید را برای مقابله با تهاجم فرهنگی برداشت.

راههای مقابله با تهاجم فرهنگی:

امروزه اکثر کشورها در پی آن هستند که راهکارهایی بیندیشند تا از تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه های همگانی هدایت شده توسط غرب بکاهند؛ هرچند کسی منکر این واقعیت نمی تواند باشد که در دنیای امروز، کشورها نمی توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه ی خود با فرهنگ های بیگانه، در امان باشند، زیرا رسانه های همگانی جهان هم چون ماهواره ها و تکنولوژی اینترنت، مردم دنیا را در جریان آخرین پیشرفت ها، مدها، ساخته ها، هنرها و غیره قرار می دهند. اگر فرهنگ جامعه ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود گسسته شوند، قدرت اندیشیدن از آنها سلب می گردد و در این دریای ارتباطات غرق می شوند.

ملت هایی که علاقه مند به حفظ و پاس داری از «هویت فرهنگی» خود هستند، سعی می کنند فرهنگ غیرمادی جامعه ی خویش را حفظ نمایند. البته این بدان معنا نیست که می توان (یا باید) فرهنگ غیرمادی را کاملاً دست نخورده و ثابت و «اصیل» نگه داشت؛ زیرا، همان طور که در ویژگی های فرهنگ ملاحظه شد، تغییر از خصوصیات فرهنگ است.

برای مقابله و مبارزه با «تهاجم فرهنگی» راه‌های بسیار زیادی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده که هر کدام دارای اهمیت خاص خود است. اما عناوین زیر اهم توصیه‌ها و راه‌حل‌هایی است که در این مقوله قرار دارند:

الف) شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی تهاجم فرهنگی: یکی از موارد مهم و اساسی در مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناخت ابعاد و ریشه‌های آن است؛ زیرا زمانی می‌توانیم در برابر این پدیده برنامه‌ریزی کنیم که از دشمن مهاجم و برنامه‌های او اطلاع کافی داشته باشیم و متناسب با آن، سلاح تدافعی خود را به‌کار گیریم.

ب) شناخت دقیق و کامل فرهنگ اسلامی و ملی: گام دوم در مبارزه با تهاجم فرهنگی شناخت فرهنگ غنی اسلامی و عناصر فرهنگی آن است؛ علاوه بر این باید عناصر مقبول فرهنگ ملی و آداب و رسوم اجتماعی، ذخایر فرهنگی با ارزش تلقی شده و زنده نگه داشته شوند.

به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، اعتلای فرهنگ ایرانی - اسلامی و ایجاد حس غرور و افتخار در جوانان و نوجوانان، این وارثان واقعی ارزش‌های گران‌بهای فرهنگ خودی، گامی اساسی است که باید برای مبارزه‌ی بی‌امان با تهاجم فرهنگی غرب برداشته شود. یک جوان مسلمان ایرانی باید بداند که وارث چه نوع فرهنگی است.

ج) اصلاحات علمی و اقتصادی: برنامه‌ریزی در جهت پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور و تبدیل آن به یکی از کشورهای بزرگ علمی و صنعتی و مستقل از جهت تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز و فراهم آوردن زمینه‌های رفع نیازهای اقتصادی جامعه، به ویژه نیازهای جسمی و روحی نسل جوان از قبیل تحصیلات کافی، شغل مناسب، امکانات تشکیل خانواده، امکانات گذراندن مناسب اوقات فراغت مانند امکانات ورزشی و ... بیش‌ترین نقش را در تثبیت فرهنگ ملی و مصونیت در برابر فرهنگ مهاجم دارد.

د) تدوین سیاست فرهنگی و تربیتی جامع از طریق:

۱. تقویت کمی و کیفی تولیدات فرهنگی توسط رسانه‌های جمعی داخلی

۲. استحکام مبانی تعلیم و تربیت اسلامی نوجوانان و جوانان

۳. تقویت ایمان از طریق بالابردن سطح رشد علمی و فکری مردم نسبت به مسائل اعتقادی، تبلیغ، نشر و ترویج مسائلی که در تشدید عواطف و احساسات دینی مردم تأثیر زیادی دارد، مانند نماز جماعت، جلسات قرآن، هیأت‌های مذهبی، عضویت در مراکز خیریه و عام‌المنفعه، دور نگه‌داشتن مردم از ارزش‌های ضد اسلامی و غیرخدایی با ترویج ارزش‌های دینی در یک سطح گسترده و فراگیر و ...

۴. ارتقای کیفی فعالیت‌های هنری و ایجاد مراکز هدایت‌کننده‌ی ابزارهای صوتی و تصویری.

۵. گسترش فعالیت‌های برون‌مرزی نهادهای فرهنگی.

۶. ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و عدم دخالت افراد غیر متخصص و غیرمسئول در امور فرهنگی و هنری.

۷. حفظ جریان‌های فرهنگی اصیل و حمایت از مدافعان واقعی نظام.

۸. مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های فرهنگی از قبیل: تشکیل سمینارهای مسائل فرهنگی و مسابقات علمی و فرهنگی با حضور و مشارکت آنان، تقویت روحیه ی کتاب‌خوانی و انتشار بیش‌تر کتاب‌های مذهبی جذاب.

۹. تقویت پایه‌های تربیتی و اخلاقی افراد در خانواده و مدرسه و ایجاد ارتباط عاطفی بین والدین و کودکان.

۱۰. بازنگری در منابع درسی دانشگاهی به ویژه کتاب‌هایی که به ناچار از زبان‌های بیگانه ترجمه می‌شوند.

۱۱. از بین بردن روحیه‌ی مصرف‌گرایی به ویژه در مواردی که سبب وابستگی کشور می‌شود .

۱۲. ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد دوستانه با جوانان.

۱۳. آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ‌سازان غربی .

ترفندهای نرم استکبار

الف. سیاست‌های تبلیغاتی

ب. سیاست‌های اقتصادی

محاصره‌ی اقتصادی از شیوه‌های مؤثر و متداولی است که از زمان‌های قدیم برای مواجهه با دیگران کاربرد داشته است. برای سرکوب انقلاب‌های توحیدی، مستکبران در طول تاریخ از این روش کمک جستند. محاصره‌ی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یارانشان در شعب ابی‌طالب و محاصره‌ی امام حسین علیه‌السلام و هم‌زمانشان در عدم دستیابی به آب، نمونه‌های تاریخی در این مورد هستند. قرآن درباره‌ی منافقان عهد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «آن‌ها کسانی هستند که به یکدیگر می‌گویند: به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا پراکنده شوند. حال آن‌که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند.»^۲

ج. سیاست‌های سیاسی، فرهنگی و روانی

بر اساس آیه‌ی ۶۴ از سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء استفاده از وعده‌های مغرورکننده و انواع فریب‌ها و نیرنگ‌ها، یکی دیگر از برنامه‌های شیطان است، آن‌ها روانشناسان ماهر را برای اغفال و فریب مردم ساده‌دل و حتی هوشیار تربیت کرده‌اند. در این راستا، شیطان و به تبع آن مستکبران از حرب‌های مختلفی مدد می‌جوید:

۱. تهدید

وقتی فرد یا جماعتی از نظر روحی شکست خورد و در مقابل دشمن احساس ضعف نمود، تسلط بر او کار دشواری نخواهد بود، لذا در رقابت‌ها و مبارزات علیه یکدیگر، ابتدا سعی بر این است که طرف مقابل را با تهدیدها از میدان بیرون کنند و با ترس افکندن روحیه‌ی او را تضعیف نمایند و بعد در صورت مقاومت، مراحل بعدی عملیات را شروع نمایند. فرعون مستکبر، وقتی با ایمان ساحران روبرو می‌شود، دست به تهدید ایشان می‌زند: «[فرعون] گفت آیا پیش از آن‌که به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است پس بی‌شک دست‌های شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت خرما به دار می‌آویزم تا خوب بدانید عذاب کدام یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است.»

۲. تحقیر

اگر بتوان در کسی این احساس را برانگیخت که احساس کند از دیگران پست‌تر است، می‌توان بر او تسلط روانی پیدا کرد. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده‌اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده‌ی مردم استفاده نمود: «پس قوم خود را سبک‌مغز یافت [و آن‌ها را فریفت] و اطاعتش کردند چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند.»^۴ فرعون هنگامی که با دعوت موسی علیه‌السلام روبرو می‌شود، برای خنثی کردن اثر دعوت او بر اطرافیانش دست به تحقیر موسی علیه‌السلام می‌زند. فرعونیان به موسی نسبت جنون دادند.

اگر بتوان در کسی این احساس را برانگیخت که احساس کند از دیگران پست‌تر است، می‌توان بر او تسلط روانی پیدا کرد. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده‌اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه استفاده نمود. فرعون هنگامی که با دعوت موسی روبرو شد، برای خنثی کردن اثر دعوت او دست به تحقیر موسی زد. فرعونیان به موسی نسبت جنون دادند.

۳. تهمت زدن

از آن‌جایی که انسان‌ها فطرتاً کمال‌خواه و به دنبال حقایق هستند، در صورتی که چهره‌ی حق نمایان شود و آمادگی نفسانی وجود داشته باشد، حقیقت را درک نموده و آن را می‌پذیرند. مستکبران هر طایفه‌ای که پیامبران به‌سوی ایشان فرستاده می‌شدند، رسولان خدا را متهم به اموری می‌کردند تا دعوت راستین ایشان را دروغین نشان دهند و بدین وسیله مردم را علیه ایشان برانگیزانند. فرعون هنگامی که با دعوت موسی علیه‌السلام روبرو می‌شود، برای خنثی کردن اثر دعوت او بر اطرافیانش، در صدد توجیه معجزات موسی برآمد و به اطرافیان خود گفت: «واقعاً این ساحری بسیار داناست.»^۶ فرعون فکر می‌کرد چون در آن زمان سحر رایج بود، این اتهام بهتر از هر چیز دیگر مؤثر واقع خواهد شد.

۴. تطمع

خداوند برای ادامه‌ی حیات انسان، خواسته‌هایی از قبیل میل به خانه و همسر و فرزند در او قرار داده است. تا زمانی که این امیال در خدمت انسان و تکامل معنوی او باشند، مفید و ضروری هستند؛ اما کسانی که از مدار حق خارج می‌شوند، این خواسته‌های طبیعی در ایشان طغیان می‌کند و دیگر حد و مرزی نمی‌شناسد. حال انسان‌هایی که به دنبال استخدام افراد در جهت اهداف خود هستند، چنین افراد حریصی را با وعده‌های دنیوی به سوی خویش می‌کشند. تطمیع به عنوان یکی از ابزار جذب افراد و گروه‌ها در انحطاط و سقوط از مسیر الهی، در طول تاریخ، در سطوح فردی و بین‌المللی کاربرد داشته است. هنگامی که قرار بر این شد تا موسی علیه‌السلام با ساحران تحت حاکمیت فرعون رقابتی داشته باشد، فرعون به ساحران وعده داد در صورتی که بر موسی علیه‌السلام غالب شوید «حتماً از [زمره‌ی] مقربان خواهید شد.»

۵. تحریک احساسات

فرعون برای این که مردم را در مقابل موسی قرار دهد، دعوت او را توطئه‌ای برای اخراج مردم از سرزمینشان به حساب می‌آورد و می‌گوید: «ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟»^۸ این تهمت، تهمتی سیاسی است تا بدان وسیله افکار عمومی را علیه او بشوراند و او را دشمن ملت معرفی کند، دشمنی که می‌خواهد با نقشه‌هایش آنان را از وطن، آب و خاکشان بیرون کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۲۴۰) قوم ثمود، قوم نوح، عاد و شعیب نیز استدلال‌های مشابهی در این رابطه داشتند.

۶. جوسازی و انحراف افکار عمومی

در صورتی که جو سالم بر جامعه حاکم باشد، وجدان‌های پاک و فطرت‌های سالم انسان‌ها به دنبال حق خواهند رفت. لذا سعی شیاطین بر این است که حق را با باطل درهم آمیزند و باطل را به عنوان حق به مردم تحمیل نمایند.

یکی از نیرنگ‌های سیاست‌بازان این است که هرگاه حادثه‌ی مهمی بر خلاف میل آن‌ها واقع شود برای منحرف ساختن افکار عمومی از آن، فوراً دست به کار آفریدن صحنه‌ی تازه‌ای می‌شوند که افکار توده‌ها را به خود جلب و از آن حادثه‌ی نامطلوب منحرف و منحرف کنند. فرعون پس از شنیدن ایمان آوردن ساحران به موسی، در جهت منحرف کردن افکار عمومی به بزرگان قومش چنین گفت: «ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جداً او را از دروغگویان می‌پندارم.»

۷. شایعه‌پراکنی

شایعه در اشکال مختلف آن، سلاح خطرناکی در خدمت جنگ روانی است و برای تخریب روحیه‌ی انسان‌ها، تضعیف و فلج ساختن اندیشه‌ی آن‌ها به کار می‌آید. قرآن کریم به بسیاری از شایعاتی که از سوی ضعیف‌النفس‌ها، منافقان و یهودیان ساخته و پرداخته شده، اشاره کرده است. اوج این شایعات مربوط به جنگ‌ها، لحظات حساس و سرنوشت‌ساز است. شایعات پخش شده در احد، حدیبیه، تبوک و ... مصادیق بارزی از چنین شایعاتی است.

همچنین وقتی عیسی علیه السلام از مریم سلام الله علیها متولد شد، یهودیان شایعاتی منتشر کردند که نزاهت و پاکی خاندان نبوت را جریحه دار می ساخت. قرآن در آیاتی بدان اشاره نموده است.

قرآن تمایل مستکبران را در به سازش کشیدن رهبران دینی، این گونه بیان می دارد: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند.» مراد این است که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند. ولی قرآن بارها به پیامبر هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و با اهل باطل مداهنه نکند.

۸. سازشکاری

یکی از اصول مبارزه‌ی مستکبران با نهضت‌های الهی، سیاست گام به گام بوده است. همان طور که پیشتر بیان شد، شیاطین جن و انس برای نفوذ در یک فرد متعالی یا یک نظام الهی به تدریج و با احتیاط و طبق برنامه عمل می کنند. اگر اقداماتی که در لحظات اولیه برای به سازش کشیدن یک نهضت انقلابی صورت می گیرد با عکس العمل شدید رهبران انقلاب واقع نشود، دشمنان را در مقابله با آن حرکت دینی حریص تر و امیدوارتر می کند. قرآن تمایل مستکبران را در به سازش کشیدن رهبران دینی، این گونه بیان می دارد: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند.»^{۱۳} مراد این است که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند، و هر یک درباره‌ی دین دیگری مسامحه روا بدارد.

ولی قرآن بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و با اهل باطل مداهنه نکند، چنان که در آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی مائده به این مهم اشاره شده است: «و میان آنها به موجب آنچه خدا نازل کرده دآوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنها برحذر باش؛ مبدا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند...»

نتیجه گیری

پدیده اسلام هراسی، پدیده ای با عناصر پیچیده و ابعاد متعدد و آثار عمیق است؛ از این رو تعامل با این پدیده مقتضی به کارگیری همه تلاش های ممکن در جهان اسلام به هدف دستیابی به راهبردی فراگیر است؛ اما لازمه دستیابی به چنین راهبردی، تعیین نشانه های الگوی مرجع منسجم و یکدستی است که راه های تعامل با این پدیده را تنظیم کند.

اسلام که منبع و منشأ شکل گیری تمدنی منحصر به فرد و متمایز شده است، صرفاً دینی روحانی و بی اعتنا به دنیا نیست، بلکه دینی فراگیر است که همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی انسانها را مورد توجه قرار داده است. امروزه نیازی حیاتی به آشنایی با اسلام احساس می شود و پیش از دیگران فرزندان امت اسلام باید آن را خوب بشناسند و اینجا نقش حکومت های اسلامی در معرفی چهره درخشان اسلام رخ می نماید.

امروز برادران اهل سنت بیشتر از شیعیان خواستار محکومیت وهابیت هستند، زیرا آینده جهان اسلام با وجود این فرقه انحرافی بسیار خطرناک است و هر دوی آنها باید در کنار هم متوجه غده سرطانی وهابی سعودی باشند.

اینکه ما در معرض حملات فرهنگی رسانه های بیگانه هستیم شکی نیست، اما ادوات مقابله با جنگ نرم در دسترس است. فقط باید چشم های خود را بشوییم و به گونه ای دیگر بنگریم و به افسران مقابله با جنگ نرم اعتماد کنیم و از ظرفیت های موجود به شکل کافی بهره ببریم.

به امید روزی که دیدگان ما عکس روتوش شده فرهنگ که با نام فرهنگ پست مدرن بر روی تاقچه های ایرانی قرار گرفته نبیند و باز هم همان فرهنگ ناب ایرانی - اسلامی در جامعه اسلامی ایران حاکم شود. انشاءالله

منابع

- ۱- کوشکی، محمدصادق، ۱۳۹۲، تاریخ مستطاب آمریکا، انتشارات خیزش نو
- ۲- غلامی، نجفعلی، ۱۳۹۰، دشمن شناسی، انتشارات موسسه فرهنگی ولاء منتظر
- ۳- گارودی، روژه، ۱۳۹۲، آمریکا ستیزی چرا؟، انتشارات کانون اندیشه جوان
- ۴- سردار، ضیاء الدین، ۱۳۹۴، چرا از آمریکا متنفرند؟، انتشارات اطلاعات
- ۵- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۷، نیمه پنهان آمریکا، انتشارات دفتر نشر معارف
- ۶- عباسی، حسن، ۱۳۸۰، غرب شناسی، انتشارات کانون اندیشه‌ی جوان
- ۷- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، نکته های ناب، انتشارات دفتر نشر منابع
- ۸- فرقانی، قدرت الله، ۱۳۸۳، استکبار ستیزی در قرآن، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۹- مجیدی، محمدرضا و صادقی، محمد مهدی، ۱۳۹۳، اسلام هراسی غربی
- ۱۰- خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۹۵، اسلام ستیزی غرب و کلیسا، انتشارات کلبه شروق
- ۱۱- گنجیانی، سید مهدی و علی پور، محمود، ۱۳۹۶، اسلام هراسی در سینمای هالیوود، انتشارات موسسه بوستان کتاب